

### داستان ارینب و حسین و یزید

حسین پسر دیگر علی همچون برادرش حسن و نیایش محمد جان خود و گروهی را در راه هوسبازی و دلدادگی بر زنی زیبا بنام ارینب از دست داد.

ارینب که زنی بس زیبا و همسر مردی بنام عبدالله سلام بود در نخستین دیدارش با یزید پسر معاویه توانست او را دلداده خویش سازد. در پی این دلدادگی و دیدارهای پنهانی و خواندن سروده ها و نامه های دلدادگی یزید، بر آن شد که از همسرش عبدالله جدا گردد و به همسری یزید درآید، ولی جدا شدن از عبدالله چندان آسان نمی نمود و به تنهایی نمیتوانست این سد را بشکند (۱).

یزید که سخت دلباخته ارینب شده بود نگریز گردید پدرش را از این رویداد آگاه سازد. زمانیکه معاویه دانست پسرش دلداده زنی شده است که همسر دارد به سختی برآشفت و خواسته اش را رد نمود و پایداری کرد. سرانجام با پادرمیانی دور و بریها باین پایه رسیدند که اگر دختر معاویه تن بهمسری با عبدالله همسر ارینب بدهد و عبدالله نیز دست از ارینب بردارد و از او جدا گردد که راه همسری یزید گشوده شود ۲ دشواری از میان برداشته خواهد شد.

پس از اینکه عبدالله از چگونگی آگاه میشود و با بررسی سرانگشتی درمیابد که پس از همسری دختر معاویه میتواند بر بسیاری از بلندپروازیهایش دست یابد همدلی خود را ابراز میدارد و بخواستگاری دختر معاویه مشتابد. معاویه در برابر خواسته او میگوید این دختر من است که باید پذیرش خود را به آگاهی من برساند و شما میتوانید با دخترم بگفت و شنود بنشینید.

عبدالله بیاری دوستانش بیدار دختر معاویه میرود و از او خواستگاری مینماید. دختر معاویه که از همه چیز آگاهی داشت به عبدالله پاسخ میدهد که نمیتواند همسر مردی باشد که زن دیگری هم دارد. چنانچه او زنش را «سه طلاقه» گوید، او به همسری عبدالله خواهد درآمد.

با این پذیرش عبدالله بهمراه ابوهریره و ابودردا به نزد دادگاه (قاضی شرع) دمشق میروند و ارینب را سه طلاقه میگوید که آندو نیز گواهی میدهند. پس از آنکه یزید همه دشواریهای بر سر راه دستیابی بر ارینب را از پیش پای خود برمیدارد، معاویه فرمان اروسی (عروسی) شاهانه را برای تنها پسرش میدهد و فراخوانیها بسیار از سراسر کشورهای زیر فرمان اسلامی مینماید.

فراخوانده شدگان با پیشکشهای بیشمار و چشمگیری از هر گوشه و کنار راهی پایتخت میشوند و کاروانی باشکوه برای آوردن اروس (عروس) روانه میگردد و چشمها برای رسیدن اروس زیبا براه مینمانند.

در چنین هنگامی حسین پسر علی که پیروانش او را بنادرست همسر شهربانو دختر یزدگرد سوم شناسانده اند (۲) و آمده است که پنجاه سال را پشت سر نهاده و دارای « صورتی کشیده و دهانی نسبتاً فراخ با ریشی اندک، دو رشته گیسوی بافته شده از جانب چپ سرش بر سینه اش افتاده، در مشحمه گوش راست او سوراخی بود که از طفولیت گوشواری در آن دیده میشد و فراز گوش چپ سوراخی دیگر...» (۳)، برای بر هم زدن این اروسی نخست با فرستادگان معاویه دیدار و سپس خود را شتابان به نزدیکی جایگاه زندگی ارینب میرساند و با فرستادن نمایندگانی نزد او و با پیمان باز پس گرفتن رهبری از معاویه در این جهان و بهشت در جهان دیگر آن زن هوسباز را از راه بدر میبرد و از زناشویی با یزید باز میدارد و بجای رفتن به کاخ باشکوه معاویه او را به خانه خود میکشاند و بجرگه دیگر همسران خویش درمی آورد.

در پی این بازی بچگانه و بازگشت کاروان بی اروس و آگاهی یافتن از گول خوردن ارینب و رفتن او به خانه حسین، جشن باشکوه معاویه بهم خورد و فراخوانها بازگشتند و شرمساری بزرگ و بی پیشینه ای برای رهبر مسلمانان ویش آمد که نمونه آن را جهان تا بامروز بیاد ندارد.

معاویه که مردی دوراندیش و با خرد بود با خونسردی این سرشکستگی را پذیرفت و از هر گونه واکنش خودداری نمود و راه واکنش یزید را هم بست. سرانجام هوس زودگذر اربنبا این بود که بزودی در خانه حسین از چشم او افتاد و همچون دیگر زنان شد. از جوان با آن شکوه و توانایی چون یزید سر باز زده که همسری نیز نداشت و بخانه مردی رفته است که دارای همسران و کنیزان بیشماری نیز هست.

پایان این هوس زودگذر، اشک و آه و رهایی او و رویداد کربلا را در پی داشت که سر و جان حسین و خانواده و مشتی برده نگون بخت در این رهگذر بر باد رفت که دین فروشان بی آرم از آن بهره برداری نادرست نموده و رنگ دینی داده اند تا مردم را همچنان گمراه و بازار پول درآوری خود را گرم نگاهدارند.

## بن مایه ها

۱ - دفتر زندگانی حسین نوشته زین العابدین رهنما پوشینه نخست فصل هفتم برگهای ۳۸ تا ۴۲ - ۵۵ - ۵۶ - ۸۲ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۱۰۷ تا ۱۱۰ - ۱۱۲ تا ۱۱۴ - ۱۶۰ - ۱۶۲ تا ۱۶۲ - از ۲۱۵ تا ۲۲۱ پوشینه دوم و از برگ پنجم همین دفتر بویژه سطر ۱۹ نوشته دکتر پرهام.

در برگ ۳۳۱ حسین پس از جدا شدن از اربنبا به عبدالله همسر پیشین او میگوید: «از این تاریخ او دیگر زن من نیست و پس از چند ماهی بتو تعلق خواهد یافت.» آن چند ماه زمان عده شرعی زنان طلاق داده شده است که مبادا از همسر پیشین بجه ای در شکم داشته باشند. شگفتی آور است که حسین با گفتن این فراز او دیگر زن من نیست، پس از جدایی چند ماه دیگر میتواند همسر او باشد، یعنی که با او همخوابه شده ام. باز دکانداران دین فروش بهره مند از دروغگویی و میگویند حسین دست ببدن اربنبا نزده است.

۲ - دفتر زندگانی حسین نوشته زین العابدین رهنما پوشینه نخست برگهای ۱۶۲ تا ۱۷۱ که آمده است حسین پس از مشورت با شهربانو بخواستگاری اربنبا رفت.

۳ - دفتر زندگانی حسین نوشته زین العابدین رهنما پوشینه نخست برگهای ۱۵۷ - ۱۵۸ از ناسخ التواریخ شرح حال سید الشهداء پوشینه ششم برگ ۵۵.

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



[/http://derafsh-kaviani.com/books](http://derafsh-kaviani.com/books)